



گفت و گو با پروفسور یحیی کمالی پور  
استاد ایرانی علوم ارتباطات  
در دانشگاه پوردو - آمریکا

## روزنامه نگاری در زمانه دیجیتال

گفت و گو از:  
یونس شکرخواه

لهجه شیرین می گوید: «بعد از این گفت و گو می روم به کرمان، شما چیزی از کرمان نمی خواهید؟»  
تشکر می کنم و عذرخواهی به خاطر این که روز جمعه، او را از جمع خانواده به مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها کشانده ام.  
«مسأله ای نیست، آرزو می کنم حرف هایم در این مصاحبه مفید باشد.»  
این چند جمله را شمرده ادا می کند و تا پایان به آن پایبند می ماند.

فوق لیسانس ارتباطات جمعی او با تمرکز بر رادیو، تلویزیون و فیلم از دانشگاه ویسکانسن Wisconsin (۱۹۷۸) است و بلاخره دکترای ارتباطات را در سال ۱۹۸۶ از دانشگاه میسوری Missouri دریافت کرده است.

دکتر کمالی پور اکنون با سه کتاب برجسته اش که به او شهرتی جهانی بخشیده، ریاست دپارتمان ارتباطات دانشگاه پوردو را بر عهده دارد. او هنوز با لهجه کرمانی حرف می زند و با همان

دومین بار بود که با پروفسور یحیی کمالی پور مصاحبه می کردم؛ البته نه پروفسور همان استاد قبلی بود و نه زمانه همان.  
برای رشته ای همچون ارتباطات هفت سال فاصله زمانی، به هفت دهه شبیه است و به همین دلیل این گفت و گو، رنگ همین زمانه را دارد.  
سایت دکتر کمالی پور در اینترنت، تاریخ اخذ لیسانس روابط عمومی او را سال ۱۹۷۷ از دانشگاه دولتی مینه سوتا Minnesota اعلام می کند.

**■ دکتر کمالی‌پور: به نظر من تکنولوژی‌های جدید ارتباطی حرفه روزنامه‌نگاری و حتی شیوه آموزش را تغییر خواهند داد.**  
**■ بیش از نیمی از دانشگاه‌های آمریکا از طریق اینترنت، کلاس‌های مختلفی را ارائه می‌کنند و مدارک دیجیتال می‌دهند.**

**■ سال‌هاست که در دانشگاه پوردو Purdue تدریس می‌کنید. من فکر می‌کنم شناخت دانشگاه پوردو می‌تواند به شناخت موقعیت آکادمیک شما برای خوانندگان این گفت‌وگو کمک کند. در مورد پوردو صحبت می‌کنید؟**  
 پوردو یکی از ۱۰ دانشگاه بزرگ آمریکاست که ۶۵۰۰۰ دانشجو دارد و پنج شعبه. شعبه اصلی آن ۳۰ هزار دانشجو دارد. شعبه ما در شمال ایندیانا [نزدیک شیکاگو] ۱۰ هزار دانشجو دارد. ما در مقطع لیسانس در رشته‌های رادیو - تلویزیون، روابط عمومی، ارتباطات سازمانی و ارتباطات عمومی دانشجو داریم. درس انتخابی دانشجویان، موسیقی، تئاتر، هنرهای تصویری و گرافیک است.

**■ فوق‌لیسانس چگونه؟**  
 چرا، فوق‌لیسانس هم داریم. ۴۰ دانشجو در چهار گرایش. گرایش‌های ما در این مقطع ارتباطات شرکتی، وسایل ارتباط جمعی، ارتباطات عمومی و ارتباطات جمعی است، که ارتباطات عمومی عمدتاً حول مصاحبه و ارتباطات شفاهی و سازمانی دور می‌زنند و برای کسانی است که مطمئن نیستند چه رشته‌ای را می‌خواهند دنبال کنند.

**■ و استادان؟**  
 ۱۱ استاد تمام وقت و ۳۰ تا ۳۵ استاد نیمه‌وقت داریم که همه بجز من آمریکایی هستند.

**■ آقای دکتر، پوردو چقدر از دیجیتال‌لیسم تأثیر گرفته است؟ منظوری تأثیرات دیجیتال‌لیسم بر درس و نحوه کار شماست. پوردو مدرک دیجیتال هم می‌دهد؟**

تأثیرات فراوانی گرفته و تغییرات زیادی هم در حال وقوع است. ما الان در پوردو دو سه فوق‌دیپلم اینترنتی می‌دهیم، البته چنین کارهایی برای همه رشته‌ها عملی نیست و اشکالات زیادی هم دارد ولی به هر حال الان یک بحث داغ دانشگاهی در آمریکا همین اختصاص بودجه به امور دیجیتال است. اکنون در مقطع لیسانس و فوق‌لیسانس هم Digital Degree [مدرک دیجیتال] می‌دهند ولی دانشگاه ما فقط یک دوره دوساله در این زمینه دارد که فوق‌دیپلم دیجیتال می‌دهیم. در دپارتمان خود من برای نخستین بار یک کلاس از طریق اینترنت ارائه شد با عنوان Electronic Media [رسانه‌های الکترونیک] که به تاریخچه رادیو، تلویزیون و یا دیگر رسانه‌های جدید می‌پردازد که تقریباً موفق بود. از ۲۰ نفری که در این کلاس بودند، تعداد زیادی از این شیوه خوششان نیامد به این خاطر که ارتباطات انسانی و چهره به چهره در این نوع کلاس‌ها ممکن نیست و استاد و دانشجو به طور مستقیم با هم رابطه ندارند. تنها تعداد انگشت‌شماری از آن راضی بودند، آنها هم دانشجویانی بودند که بر شبکه‌ها و کامپیوتر مسلط هستند و احتیاجی به راهنما ندارند.

**■ فقط همین یک کلاس اینترنتی را ارائه کردید؟**

خیر، کلاس دیگری هم داشتیم که فقط برای دانشجویانی که در اطراف دانشگاه بودند قابل دریافت بود و نه برای شهرها و ایالات دیگر. آن کلاس Fundamental Speech Communication [مبانی

ارتباطات کلامی] بود که یک واحد انتخابی بود و اکثر رشته‌ها مثل مهندسی، روانشناسی و حسابداری و غیره آن را انتخاب می‌کنند. محور این درس پیرامون روابط بین فردی، مصاحبه، سخنرانی و تئوری‌های ارتباطی است. به هر حال من فکر می‌کنم درس‌های تئوریک را می‌توان از طریق اینترنت تدریس کرد.

**■ از لابراتوار پوردو حرفی نزدید، سایت اینترنتی پوردو توضیحات مفصلی درباره این آزمایشگاه دارد.**

بله در Computer Lab [آزمایشگاه کامپیوتر] دانشجویان با کامپیوتر می‌نویسند و استاد هم با کامپیوتر نوشته‌های دانشجویان را ادیت می‌کند تا خبرنگاری الکترونیک و غیره را فرا بگیرند.

یک کلاس عکاسی دیجیتال هم داریم که دانشجویان با دوربین‌های دیجیتال عکاسی می‌کنند، عکس‌ها را اسکن و ادیت می‌کنند و برای آنها Caption [شرح عکس] کامپیوتری می‌نویسند و غیره.

در بخش تلویزیونی آزمایشگاه هم برنامه این است که تا سال ۲۰۰۶ همه چیز دیجیتال شود و دیگر با سیستم آنالوگ کار نکنیم. در زمینه رادیو هم همین‌طور؛ اساس کار از هم اکنون بروی دیجیتال‌لیسم استوار شده است.

**■ می‌توانم نتیجه بگیرم مدارس روزنامه‌نگاری، مضامین درس و حتی حرفه روزنامه‌نگاری در اثر گذار به دیجیتال‌لیسم و حتی آموزش دستخوش دگرگونی‌های فراوانی دیگری هم خواهد شد؟**

همه چیز به صورت دیجیتال درآمده است؛ تلویزیون دیجیتالی، فیلم، کتاب، ویدئو و غیره.

الان شرکت‌هایی هستند که از طریق اینترنت کتاب عرضه می‌کنند، امکان برداشت و چاپ این کتاب‌ها هم هست. کتاب‌ها را به شکل سی دی و کاست ارائه می‌کنند و خلاصه همه رسانه‌ها در حال

تغییر و تحول هستند. به نظر من تکنولوژی‌های جدید ارتباطی حرفه روزنامه‌نگاری و حتی شیوه آموزش را تغییر خواهند داد. حتی الان برخی از کتاب‌ها سایت و یا سی‌دی کامل دارند که قبلاً چنین پدیده‌ای وجود نداشت. در اکثر کلاس‌های ما دست‌کم ویدئو به عنوان مکمل حضور دارد و روش قدیمی سخنرانی استاد و گوش دادن دانشجو جای خودش را به رشته جدید Multimedia Studies [مطالعات چند رسانه‌ای] داده است. اکثر استادان الان از برنامه Power Point [نرم‌افزار استفاده از سی‌دی برای آموزش و نمایش] استفاده می‌کنند، یعنی درس خودشان را با سی‌دی عرضه می‌کنند. البته من اخیراً مقاله‌ای خواندم که می‌گفت دیگر احتیاجی به استاد نیست و یک استاد می‌تواند از شعبه اصلی دانشگاه برای همه دانشکده‌ها تدریس کند و درس‌ها به صورت Video Conferencing [کنفرانس از راه دور] عرضه شود. اما تئوری دیگری هم هست که می‌گوید تکنولوژی‌های جدید احتیاج به استاد را از بین نمی‌برد، چرا که هر رشته و یا هر نوع دانشجویی چنین کاری عملی نیست. به هر حال به قول مک لوهان ورود یک تکنولوژی جدید به یک جامعه آن جامعه را برای همیشه دگرگون می‌کند.

■ آقای دکتر اجازه می‌دهید از پوردو خارج شویم و تحولات دیجیتال‌سیم را در سطح کلان‌تر یعنی در سایر دانشگاه‌ها دنبال کنیم؟

بله، بیش از نیمی از دانشگاه‌های آمریکا از طریق اینترنت، کلاس‌های مختلفی را ارائه می‌کنند و مدارک دیجیتال می‌دهند. دانشگاه‌هایی مثل کلرادو هم لیسانس و هم فوق‌لیسانس الکترونیک می‌دهند، حتی دانشگاه‌هایی مثل پرینستون، کلمبیا و ییل آموزش‌های خودشان را به شرکت‌های موسوم به

E-college [کالج الکترونیک] سپرده‌اند که دروس را هر کس که می‌تواند می‌گیرد. این دروس قابل انتقال هم هست. یعنی مثلاً دروسی را که دانشکده ما ندارد از مجموعه دروس یک دانشگاه دیگر در اینترنت انتخاب می‌کنیم. از سوی دیگر چون دانشجویان جدید با رسانه‌های دیداری - شنیداری بزرگ می‌شوند و دیگر تحمل کلاس‌های طولانی و سخنرانی استاد را ندارند، در کلاس‌های جدید از روش Multimedia Presentation [عرضه چند رسانه‌ای] استفاده می‌شود تا آنها با کلاس و درس کنار بیایند. این



کلاس‌ها به Virtual Class [کلاس مجازی] معروف شده‌اند و استادان می‌توانند از طریق اینترنت درسی را ارائه دهند و آن درس در همه دنیا دانشجو داشته باشد. البته دیدگاهی هم وجود دارد که براین باور است که نیاز به چهار دیواری به عنوان دانشگاه همیشه وجود خواهد داشت چون همه دروس امکان ارائه از طریق اینترنت را ندارند بلکه تنها برای برخی از دروس به کارگیری اینترنت امکان‌پذیر است. واقعاً اگر کلاسی در مورد «سخنرانی» باشد چگونه می‌توان آن را از طریق اینترنت برگزار کرد؟ کلاس‌های

اینترنتی برای آمادگی فرصت بیشتری می‌طلبند. پاسخ دادن به سؤالات دانشجویان نیز به خصوص در این کلاس‌ها بسیار مشکل است.

مشکل دیگر عبارت است از تلاش اینترنت برای جایگزینی سیستم آموزشی گذشته و کتاب‌های درسی که همه به صورت الکترونیک ارائه می‌شود. همین کالج‌های الکترونیک درس‌ها را از دانشگاه‌ها می‌گیرند و به صورت اینترنتی همه جا ارائه می‌دهند و در واقع می‌فروشند. اشکال دیگر تعداد و عناوین دروسی است که برای گرفتن لیسانس باید گذراند و برنامه‌ریزی این امر باعث ایجاد سیستم دیگری می‌شود. در واقع باید سیستم دانشگاهی و سیستم دیجیتالی با هم تلفیق شوند و مدارکی ارائه دهند.

■ آقای کمالی‌پور دو دیدگاهی که مطرح کردید یعنی طرفداران مطلق آموزش مجازی و سایر ژورنالیسم و همچنین حامیان دو آتشه آموزش‌های سنتی روزنامه‌نگاری هر دو تبلور دو اندیشه مطلق‌گرا و در دوسوی متضاد هستند و انگار هیچ‌کدام هم حاضر نیستند باب یک دیالوگ را باز کنند ضمن این‌که پدیده کالج‌های الکترونیک هم در دنیای امروز یکی از شاخص‌های نفوذ بخش خصوصی به عرصه آموزش روزنامه‌نگاری ارزیابی می‌شود، شما با من هم نظر هستید؟

احتمال این قضیه که گفتید بسیار زیاد است آن هم به دلایل اقتصادی و مالی. بخش خصوصی در حال پیشروی است. در آمریکا دانشگاه‌های ایالتی مثل دانشگاه ما ۵۰ درصد بودجه خود را از طریق مالیات‌های ایالتی و باقی‌مانده را از طریق دریافت شهریه تأمین می‌کنند. ولی الان سهم ایالت‌ها هر سال کمتر می‌شود و در عوض شهریه‌ها بالاتر می‌رود. ضمن این‌که بسین نهادهای خصوصی و دانشگاه‌های دولتی رقابت شدیدی برای

جذب استاد و به خصوص برای جذب استادان آشنا با کامپیوتر و اینترنت، اقتصاد و بازاریابی وجود دارد و بدیهی است که استادان در بازار آزاد درآمد بیشتری در قیاس با دانشگاه خواهند داشت. در واقع دانشگاه‌ها توان رقابت با بازار را ندارند و افزایش شهریه‌ها نیز سبب شده است بسیاری از افراد نتوانند شهریه را پرداخت کنند. دانشگاه‌های خصوصی هم که شهریه‌هایی بسیار بالا مثلاً ۲۰ هزار دلار در سال دارند، بنابراین برای بسیاری آموزش در این دانشگاه‌ها ناممکن به نظر می‌رسد. البته من معتقدم دانشگاه‌های

روش‌ها تغییر زیادی نکرده و نخواهند کرد چون نوشتن خبر برای روزنامه و اینترنت با هم در اصول تفاوتی ندارند. مثلاً شیکاگو تریبیون یا واشنگتن پست یا نیویورک تایمز در سایت‌های خود تیتراها و خلاصه خبرها را ارائه می‌دهند و فرمت دیجیتال به خواننده این امکان را می‌دهد که خیلی سریع تیتراها را مرور و آنچه را می‌خواهد انتخاب کند. این کار را نمی‌توان با روزنامه چاپی انجام داد چون روزنامه محدودیت‌هایی دارد. اینترنت با دیجیتالی شدن انعطاف بیشتری به روزنامه می‌دهد و همزمان به گیرنده اجازه می‌دهد

آن نظرات خود را برای آن روزنامه با E-mail [پست الکترونیک] فرستاده‌اند. لذا می‌توان در سطح جهانی از «اعتراض اینترنتی» استفاده کرد. به عنوان مثال شیکاگو تریبیون یک ماه قبل از سفر من به ایران یک تفسیر در مورد اسرائیل داشت و از روش این رژیم در قبال فلسطین انتقاد و این رژیم را دعوت به عملکرد منصفانه کرده بود. در مدت یک هفته این روزنامه ۷۰۰ نامه اعتراض آمیز دریافت کرده بود و اینها بجز اعتراض‌های اینترنتی بود که شاید تعداد آن به هزاران نامه می‌رسید. به هر حال روزنامه‌نگاری از حالت اطلاع‌رسانی یک سویه خارج و به ارتباطی دو سویه تبدیل شده است.

#### ■ دوسویه شدن روزنامه‌نگاری یک

مفهوم و پدیده عمیق است که در آن دست‌کم دو تغییر بزرگ در حال ظهور است: آسیب دیدن اقتدار سردبیران و تبدیل شدن روزنامه‌نگاری از قالب یک جمع محدود برای جمع گسترده به حالت یک جمع گسترده برای یک جمع گسترده. آقای دکتر! این دو رگه تحول باعث

بروز روزنامه‌نگاری مدنی یا Civic Journalism در جهان شده است. تلقی شما از دوسویه شدن همین است یا چیز دیگری مدنظر شماست؟

بله تقریباً همین است ولی تفاوت‌هایی هم دارد. همان‌طور که گفتید Civic Journalism در حال شکل‌گیری است و قدرت سردبیران و مدیران مسؤول و غیره در عرصه انتخاب و ارائه خبر تفاوت کرده است ولی من مثل شما فکر نمی‌کنم که این قدرت ضربه خورده باشد، چرا که تئوری برجسته‌سازی هم گسترده‌تر شده است و همان‌طور که می‌بینید مثلاً واشنگتن پست و نیویورک تایمز در عین رقابت برای این‌که به عنوان سایت اول بر صفحه مانیتور شما ظاهر شوند، به نوعی ادغام‌گرایی روی آورده‌اند. یعنی در این زمانه دیجیتالی و دوسویه شرکت‌های

■ دانشگاه‌ها توان رقابت با بازار را ندارند و افزایش شهریه‌ها نیز سبب شده است بسیاری از افراد نتوانند شهریه پرداخت کنند.

■ دانشگاه‌های خصوصی سرانجام ماهیت آموزش و پرورش را نه تنها در آمریکا بلکه در همه جهان تغییر خواهند داد.

■ اصول روزنامه‌نگاری همچنان در جای خود باقی است و روش‌ها تغییر زیادی نکرده و نخواهند کرد چون نوشتن خبر برای روزنامه و اینترنت با هم در اصول تفاوتی ندارند.

■ اینترنت با دیجیتالی شدن انعطاف بیشتری به روزنامه می‌دهد و همزمان به گیرنده اجازه می‌دهد که در مورد یک خبر خاص، اطلاعات بیشتری کسب کند.

خصوصی سرانجام ماهیت آموزش و پرورش را نه تنها در آمریکا بلکه در همه جای جهان تغییر خواهد داد.

■ بخش اول پرسش من بی‌پاسخ ماند، پرسش دیگری مطرح می‌کنم که راه بحث را به طرف بنیادهای امروز روزنامه‌نگاری و تصویر فردای آن باز کند. آقای دکتر! اصول و بنیادهای روزنامه‌نگاری در چه وضعیتی به سر می‌برد، ثابت مانده است، یا تغییر می‌کند؟

در این حوزه هم تغییرات زیادی در حال ظهور است اما اصول روزنامه‌نگاری همچنان در جای خود باقی است و

که در مورد یک خبر خاص، اطلاعات بیشتری کسب کند. امکان دیگری که وجود دارد این است که وقتی شما یک خبر را در روزنامه‌ای می‌خوانید، می‌توانید بلافاصله عقیده خود را به گردانندگان آن منتقل کنید ولی در رسانه‌های سنتی خواننده مجبور است برای انتقال نظرهای خود به آن روزنامه تلفن کند یا نامه بنویسد. اما در شکل اینترنتی، تعامل بیشتر شده و ارتباطات دو سویه شده است. در آمریکا این اتفاق افتاده که مثلاً خبر، مقاله یا تفسیری درباره ایران چاپ شده و اشکالی داشته و افرادی هم با دیدن

بزرگ و فراملی هم در حال ادغام شدن با یکدیگر هستند و امپراتوری‌های عظیم رسانه‌ای به راه انداخته‌اند، نمونه‌اش ادغام تایم وارنر و سی‌ان‌ان و AOL [امریکا آنلاین] به نظر من برجسته‌سازی هم یک مسأله مهم است که نمی‌توان آن را در کنار دوسویه شدن نادیده گرفت.

■ آقای دکتر این پاسخ شما باعث شد تا من سعی کنم به دیدگاه‌های شخصی‌تر شما بپردازم، این اجازه را دارم؟ بله، خواهش می‌کنم پرسش‌هایتان را ادامه بدهید.

■ جمله «من منتشر می‌کنم، تو می‌پذیری» چه مفهومی برای شما که یک پروفیسور ارتباطات هستید، دارد؟

سرعت اطلاعات است و همین امر مخاطبان را در تشخیص اهمیت اطلاعات دچار سردرگمی می‌کند و لذا می‌بینید یک موضوع بسیار پیش‌افتاده به‌خاطر سرعت در پوشش آن می‌تواند به یک موضوع روز و مهم تبدیل شود.

■ آقای دکتر از ادغام رسانه‌ها و امپراتوری‌های رسانه‌ای حرف زدید، این ادغام‌ها از موضع تدافعی صورت می‌گیرد یا تهاجمی؟

از موضع تهاجمی است نه تدافعی. ■ توضیح می‌دهید چرا؟

آنها به دلایل اقتصادی ادغام می‌شوند. مثلاً مک دونالد برای منافع مالی کار می‌کند نه به خاطر دلسوزی برای مردم.

■ جمله «من منتشر می‌کنم، تو می‌پذیری» مربوط به گذشته است و قبلاً مفهوم داشت، این یک تلقی تزریقی از رسانه‌هاست. یک تلقی که بر نظریه تأثیرات پر قدرت رسانه‌ها استوار است.

■ در حال حاضر اطلاع‌رسانی شکل دوسویه پیدا کرده است و خوانندگان، بینندگان و شنوندگان امروزه برای خواندن یا شنیدن به یک رسانه یا یک کانال اکتفا نمی‌کنند.

■ یکی از پیامدهای ناخواسته تکنولوژی‌های جدید، افزایش حجم و سرعت اطلاعات است و همین امر مخاطبان را در تشخیص اهمیت اطلاعات دچار سردرگمی می‌کند.

این جمله‌ای مربوط به گذشته است و قبلاً مفهوم داشت، این یک تلقی تزریقی از رسانه‌هاست. یک تلقی که بر نظریه تأثیرات پر قدرت رسانه‌ها استوار است ولی در حال حاضر اطلاع‌رسانی شکل دوسویه پیدا کرده است و خوانندگان، بینندگان و شنوندگان امروزه برای خواندن یا شنیدن به یک رسانه یا یک کانال اکتفا نمی‌کنند.

■ آیا در روزنامه‌نگاری پرشتاب امروز بین «آنچه که مهم است با آنچه که فوری است» تفاوتی وجود دارد؟

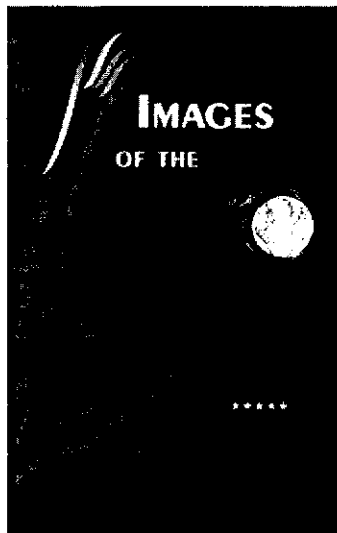
این سؤال بسیار خوب و مهمی است. یکی از پیامدهای ناخواسته تکنولوژی‌های جدید، افزایش حجم و

کنار هم داشت که یک صفحه به برنامه‌های تلویزیونی و صفحه دیگر به سهام و بورس اختصاص داشت و می‌دانید که این شبکه روزنامه‌ها و شبکه‌های رادیو - تلویزیونی و خبرنگاران خاص خودش را دارد ولی از نظر من بین این شبکه و مک‌دونالد تفاوت زیادی وجود ندارد. تنها تفاوت آنها این است که اینها «خبر» را بسته‌بندی می‌کنند و می‌فروشند و مک‌دونالد همبرگر را. همین امر در آموزش و پرورش و کالج‌های الکترونیک هم اتفاق می‌افتد.

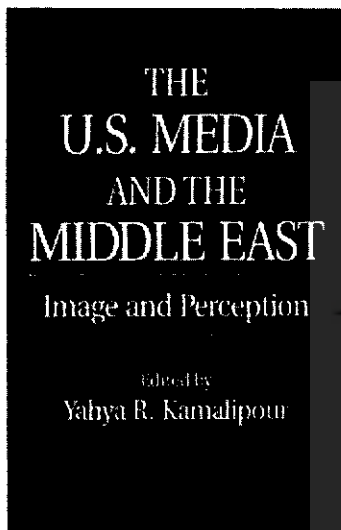
در هرحال به نظر من دلایل اقتصادی معمولاً از دلایل دیگر مهم‌تر است. وقتی رؤسای شبکه‌های تلویزیونی به نیویورک آمده بودند و یکی از استادان از آنها سؤال کرد که چرا در برنامه‌ریزی‌های خود از نظرات استادان و پژوهشگران استفاده نمی‌کنند؟ در حالت بسیار عادی گفت که اصلاً وقت پرداختن به این مسائل را ندارم و تمام اوقاتم صرف رقابت با سایر شبکه‌ها می‌شود، چون اعداد و ارقام هستند که اهمیت دارند. هرچه بیننده یک برنامه بیشتر باشد پول بیشتری نصیب ما می‌شود. پس نظر من در پاسخ به سؤال شما این است که ادغام شرکت‌ها از موضع تهاجمی است نه تدافعی.

■ آقای کمالی پور! من برخلاف شما فکر می‌کنم. از نظر من اینترنت می‌تواند رسانه‌ای پیرامونی باشد و کم‌وبیش الان هم هست و لذا ادغام‌هایی که در مرکز صورت می‌گیرد با نگرانی از این تحول پیرامونی همراه است. مگر شکست‌های اجلاس‌های جهانی در سیاتل و جنوای ایتالیا به‌خاطر تلاش جریان‌های الترناتیو در اینترنت نبود؟ پس چرا ادغام‌ها را نباید تدافعی ارزیابی کرد؟

من با شما کاملاً موافقم. هم‌زمان با ادغام شبکه‌های اطلاعاتی در سطح جهان و افزایش نیروی آنها، گروه‌ها و روزنامه‌ها هم می‌توانند از طریق اینترنت مطالبشان



1999



1997

تاریخ بشریت بی سابقه است بیاموزند. این که کجا می روند؟ چه می خواهند؟ مشکلی که انفجار اطلاعات و این سیستم های دیجیتالی ایجاد کرده اند این است که حجم عظیمی از اطلاعات به سرعت چند برابر می شود و سردرگمی به وجود می آید، باید به دانشجویان آموخت که چطور می توان درست و نادرست را از هم تشخیص داد. با توجه به حجم عظیم اطلاعات، نقش آموزش در اینجا مهم تر می شود. چه کسی می خواهد روش ها را به دانش آموزان یاد بدهد؟ نقش دانشگاه ها و آموزش و پرورش را در این امر نمی توان نادیده گرفت.

1998

آنها حل می شود، ضمن این که دانشگاه ها هم توان عرضه خطوط فراوان را ندارند، شما با این تلقی همگام هستید؟ اگر ما بخواهیم با این حرکت جهانی همگام شویم، هر چه زودتر بهتر است. من فکر می کنم مشکلات زیادی وجود دارد اما هر چه دانشجویان با اینترنت زودتر آشنا شوند، بهتر است. البته استفاده از اینترنت مستلزم داشتن دانش بالا در زبان انگلیسی است. حالا فرض کنیم که دانشجویان به کامپیوتر و اینترنت دسترسی دارند و زبان هم به اندازه کافی می دانند اما این کافی نیست باید دانشجویان طرز استفاده از عظیم ترین منبع اطلاعاتی جهان را که در

را ارائه کنند. در عین حال، رسانه های الکترونیک هم کانال الکترونیک پیدا کرده اند و می توانند با اینترنت اطلاعات خود را در سطح جهانی پخش کنند که اینها هم در گذشته گمنام بودند. گروه هایی که در سیاتل بودند در واقع مخالف جریان جهانی شدن و مخالف سازمان تجارت جهانی بودند، مثل سبزه ها که به محیط زیست و آب و هوا می پردازند و آن را در معرض خطر نابودی می بینند. گروه های کارگری هم اعتراض دارند که چرا شرکت های بزرگ، کارخانه های خود را به مکزیک و مالزی می برند و دستمزد کارگر در مالزی روزی یک دلار است و در آمریکا ساعتی ۱۵ دلار، پس اینجا هم منافع اقتصادی مطرح است. هماهنگ کردن اعتراض حضوری و جلوگیری از کنفرانس حالا از طریق اینترنت امکان دارد اما در گذشته به این سادگی ها امکان پذیر نبود. البته این اعتراض ها مانع کنفرانس های بعدی سازمان تجارت جهانی نمی شود و آنها به کار خود ادامه می دهند ولی مهم این است که تعادل قدرت و بنیه اقتصادی و میزان نفوذ و امکانات در نظر گرفته شود. مشکلات زنان شکل جهانی پیدا کرده است که در دنیا تقریباً مشابه است. بالاخره همه این گروه ها علی رغم موضوعات مختلفشان با هم در مبارزه با غول های جهانی همکاری می کنند. پس من هم تا اندازه ای به این قضیه خوش بین هستم.

■ آیا با این ارزیابی می توانم دکتر کمالی پور را در ذهن خودم در طبقه بندی جهانی ارتباطات در زمره تفکرات انتقادی قرار بدهم؟ و شاید هم در ذهن کسانی که بخواهند آثار شما را به فارسی ترجمه کنند؟

تقریباً همین طور است.

■ برخی از دانشجویان ارتباطات در ایران معتقدند اگر به اینترنت دسترسی داشته باشند، خیلی از مسائل و مشکلات

■ شما از جنبه تدریس ارتباطات دارای تجاربی هستید که جامعه ارتباطی ما ممکن است آنها را در آینده تجربه کند. اگر بخواهید به عنوان یک کارشناس ارتباطات، متونی را برای تدریس ارتباطات توصیه کنید، بسه چه آثاری اشاره خواهید کرد؟

من با آثاری که در ایران موجود است آشنا نیستم ولی به نظر می‌رسد که یک اشکال کلی وجود دارد و آن هم مسأله کیفیت و کمیت و اوضاع اجتماعی و فرهنگی است. من نمی‌دانم نظریات کتاب‌های خارجی تا چه اندازه با



موضوعاتی که اینجا هست مطابقت دارد؟ و چه اندازه مفاهیم در هنگام ترجمه تغییر می‌کند.

در ایران باید ابتدا قضای رقابتی صحیح ایجاد شود که از اقتصاد شروع می‌شود. علاوه بر این، باید فرهنگ خود را با جریان جهانی شدن، جریان آزاد اطلاعات و مطبوعات آزاد تطبیق دهیم. بدون آزادی مطبوعات نمی‌توان از آزادی کلی صحبت کرد. مشکل دیگر عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در ابعاد مختلف است که باید تغییر کند. باید از دبستان شروع کرد؛ چه در زمینه روش‌های

آموزش یا آشنایی با تکنولوژی‌های جدید چه در رابطه با مسائل جهانی. همزمان باید دروسی درباره آزادی و مسؤولیت داشته باشیم. آزادی و مسؤولیت از هم جدانشدنی هستند. مسؤولیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را باید آموزش و تفکر درباره آزادی را پرورش داد. هیچ اشکالی ندارد که کسی نظریه‌ای مخالف با نظر ما ارائه دهد. جوانان باید این مسأله را یاد بگیرند، در چنین حالتی جامعه رو به رشد می‌رود، لذا در یک فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسته نمی‌توان از پیشرفت حرف زد. بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها موضوع بسیار خوبی است اما ابتدا باید گفت‌وگوی ملی تقویت شود چون در این میان خودمان هم فایده می‌بریم. این تصور که خود را در چارچوبی بگذاریم و فکر کنیم که نظر ما بهترین است امروزه جایی ندارد. با این طرز فکر در واقع به خودمان ضرر می‌زنیم.

■ آقای دکتر، آخرین کتاب شما تصویر آمریکا در اطراف و اکناف جهان بود که ۳۰ محقق از ۲۰ کشور در آن نظر دادند، شما چه تصویری از جریان تازه رسانه‌ای در ایران دارید؟

رسانه‌ها مثل سلول‌هایی هستند که در شریان‌های یک اجتماع حرکت می‌کنند و کارشان اطلاع‌رسانی است. اگر رسانه‌ها را کنار بگذاریم، حرکت و رشد را از جامعه گرفته‌ایم و جامعه مثل یک برکه راکد می‌شود.

■ یعنی رسانه‌ها از وظایف خود بازمانده‌اند؟

به طور کلی اهمیت نقش رسانه‌ها در جامعه مثل سلول‌ها برای بدن است که باید تقویت شوند. در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی در یک زمان محدود، روزنامه‌ها از آزادی نسبی بهره‌مند شدند. در آن زمان ایران و روزنامه‌نگاران تحسین جهانی را برانگیختند ولی بلافاصله روزنامه‌ها بسته شد و گروهی از

روزنامه‌نگاران روانه زندان شدند. از دیدگاه جهانی این یک عقبگرد بود و این یک اشکال بزرگ سیستمی است. شرط اصلی آزادی، ایجاد فضای باز برای مطبوعات و رسانه‌ها و انتقادپذیری است. من از چهار سال آینده دقیقاً اطلاعی ندارم ولی آرای کسب شده توسط آقای خاتمی نشانگر آن است که اکثر مردم نظریات ایشان را می‌پسندند ولی باز اشکال این است که متأسفانه تا زمانی که این امور نتواند حالت قانونی به خود بگیرد آزادی مطبوعات و جامعه مدنی فقط در حد حرف باقی می‌ماند. آن دوران باز، نشان داد که ایران می‌تواند الگویی برای کشورهای درحال توسعه باشد. جالب اینجاست که ایران یک درصد از جمعیت دنیا را دارد و صاحب هفت درصد از منابع طبیعی هم هست. من فکر می‌کنم این بحث خودش می‌تواند موضوع یک سمینار باشد.

■ آقای دکتر، گفت‌وگوی ما رو به پایان است فکر می‌کنید نکته ناگفته‌ای در قبال ژورنالیزم دیجیتال باقی مانده است که به آن اشاره نکرده باشیم؟

نه تقریباً اکثر مباحث مطرح شد.

■ می‌توانم یک گمانه را با شما در میان بگذارم. این گمانه به تلاقی‌های تئوریک دو طیفی باز می‌گردد که شما در ابتدای گفت‌وگو به آن پاسخ صریح ندادید. منظورم طرفداران روزنامه‌نگاری سنتی و حامیان سایبر ژورنالیزم است.

چرا که نه، من آماده پاسخگویی هستم.

■ بالاخره Paper از NewsPaper حذف می‌شود یا نه؟ لطفاً از موضع مسؤول دپارتمان ارتباطات دانشگاه پورده به من جواب بدهید.

من شخصاً با حذف شدن روزنامه، کتاب و به‌طور کلی رسانه‌های چاپی در برابر اینترنت مخالف هستم. شما اگر به

تکنولوژی، دسترسی به کتاب را آسان کرده است و عادات ما را تغییر می‌دهد. خود من در سفرهای دور به کتاب‌های شنیداری گوش می‌دهم.

■ بنابراین طرفداران سایبر ژورنالیسم خیلی هم ذهنی نیستند که می‌گویند NewsPaper حذف خواهد شد.

من هنوز هم می‌گویم Paper حذف نمی‌شود بلکه محتوایش تغییر می‌کند. خیلی از شهرهای بزرگ آمریکا که دو روزنامه صبح و عصر داشتند، الآن تنها یک روزنامه دارند. فرم و شکل روزنامه‌ها عوض شده، فرمت روزنامه یواس ای تودی (U.S.A Today) روی همه روزنامه‌ها تأثیر گذاشته است. اتفاقی که فکر می‌کنم بیفتد این است که روزنامه می‌ماند اما شکل و محتوایش دائماً تغییر می‌کند.

■ نسل جوانی که در راه است با دیجیتال‌لیسم بزرگ شده و خوانندگان مسن روزنامه‌ها هم که با چاپ بار آمدند و به آن وفادار بودند، در حال خروج از صحنه هستند. بنابراین عرصه به دست سایبر ژورنالیسم می‌افتد.

شاید این سرنوشت رقم بخورد ولی شما هم فراموش نکنید که «برجسته‌سازی» بر عرصه سایبر ژورنالیسم حکمفرما خواهد ماند. در اینترنت همیشه خبر داغ روز و خبر بین‌المللی وجود دارد و آن خبرهای مخصوص با اهداف رسانه‌های Mainstream [رسانه‌های فراگیر حاکم] در ارتباط است. اهداف این رسانه‌های Mainstream عوض نشده است و قدرت آنها در برجسته‌سازی نسبت به گذشته بیشتر شده که کمتر نشده است. چرا که فراملی‌ها در هم ادغام شده‌اند.

■ آقای دکتر، سفر خوشی را برایتان آرزو می‌کنم  
سپاسگزارم. □



متفاوتی دارم. ■ آقای دکتر! آیا تا به حال از کتاب‌فروشی‌های الکترونیک اینترنت کتاب خریده‌اید؟  
بله، چندین بار از این کتاب‌فروشی‌ها کتاب خریده‌ام.  
■ پس عادات کتاب خریدن شما تغییر کرده است. فکر نمی‌کنید ممکن است عادات کتابخوانی شما هم تغییر کند و کتاب الکترونیک بخوانید؟  
من با صحبت شما موافقم. این احتمال وجود دارد که اگر روزی مجبور شوم برای تهیه کتاب به کتاب‌فروشی بروم اصلاً آن کتاب را نخرم. به هر حال

تاریخچه رسانه‌های ارتباطی توجه کنید می‌بینید که تلویزیون، رادیو را از بین نبرد، بلکه با آمدن تلویزیون تنها محتوای برنامه‌های رادیویی عوض شد. سینماگران که ظهور تلویزیون را تهدید تلقی می‌کردند، دیدند که چنین چیزی رخ نداد. بنابراین محتوای روزنامه‌ها و مجله‌ها تغییر می‌کند، ولی زنده خواهند ماند. آیا شما - از لحاظ روانشناسی - وقتی یک کتاب یا روزنامه را در دست می‌گیرید و مطالعه می‌کنید، آیا آن حالت روانی حاصل از مطالعه با احساس با حالت ذهنی، زمانی که اطلاعاتی را از کامپیوتر می‌گیرید، فرق نمی‌کند؟ من که احساس